

به نام خدا

بر موج زندگی

طوبی اثنا عشری



مؤسسه انتشارات عطائی

بنیان: ۱۳۱۵

بنیانگذار: احمد عطائی

دفتر مرکزی و امور اداری:

خیابان ولیعصر - مقابل بیمارستان دی

خیابان دوم گاندی

کد پستی: ۱۵۱۶۷

تلفن: ۸۸۷۷۵۱۵۱ دورنگار: ۸۸۸۸۵۸۶۹

<http://www.ataipub.com>

email: info@ataipub.com

شماره نشر: ۶۵۲

اثناعشری، طبری، ۱۳۲۲ -

بر موج زندگی / طبری اثناعشری - تهران: عطائی، ۱۳۸۴.

۳۷۰ ص. - (مؤسسه انتشارات عطائی شماره نشر: ۶۵۲)

ISBN: 964-313-651-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۶. الف. عنوان.

۴ ب ۹۳ ث / PIR ۷۹۴۳ ۸۶۴ / ۶۲

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۲۸۷۴۹

بر موج زندگی

طبری اثناعشری

واژه نگار: گیتی عباسی

چاپ: اول هزار نسخه، چاپ تکثیر

تهران - ۱۳۸۵

بها: ۳۰۰۰ تومان

مقدمه استاد باستانی پاریزی

موج، یک موج است...

درست پنجاه سال پیش بود که در دبیرستان‌های کرمان تدریس می‌کردم و ضمناً سه چهار سالی نیز مدیریت دبیرستان دختران کرمان را برعهده داشتم. دانش‌آموزان بسیاری بودند که صاحب ذوق و کمال بودند و سال‌ها بعد اغلب معلم و مهندس و طبیب و مترجم و نویسنده و شاعر شدند.

از آن جمله ۳ خواهر بودند - طوبی اثنا عشری، حمیاه و حبیبه اثنا عشری که همان روز با استعداد و شوق خود را در درس نشان می‌دادند. خانه آن‌ها نیز نزدیک مدرسه - تکیه گل‌بازخان و محل اولیه مدرسه بود. مدرسه بهمنیار ابتدا در آن محله بود، و بعدها وقتی قرار تجلیل از استاد بهمنیار به میان آمد، به پیشنهاد مخلص همان مدرسه دوشیزگان به نام بهمنیار نامگذاری شد و محل مدرسه نیز که کوچک بود به مدرسه دیگر نزدیک اداره فرهنگ انتقال یافت.

بعد از آن که من به تهران منتقل شدم (۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ م.) دیگر، ارتباطات معلم شاگردی کم‌کم تقلیل یافت ولی به هر حال دورادور خبر از احوال شاگردان قدیم خود داشتم. از آن میان همین خانم طوبی اثنا عشری است که خبر شده بودم علاوه بر آن که معلمی شایسته و

دلسوز است - ذوق ادبی و شعری نیز دارد و همسرمان بانو حبیبه حایری که او نیز معلم همین دانش آموزان بود - بارها از احوال آنان سخن می گفت. اینک خشنودم که مجموعه ای از اشعار این خانم صاحب کمال به مرحله چاپ رسیده است.

باری خوشوقتیم که امروز می بینم که حاصل اندیشه یکی از شاگردان قدیم من بر صفحه کاغذ نقش بسته و عنوان «بر موج زندگی» دارد و چنان می نماید که این موج مثل امواج دریا، مداوم است و جلدهای بعدی نیز خواهد داشت و امیدوارم که از مجموع این ها گوهر مقصود برآید عراقی فرماید:

جمله یک چیز است موج و گوهر و دریا ولیک

صورت هر یک خلاقی در میان انداخته

در محیط هستی عالم به جز یک موج نیست

باد تقدیرت به هر جانب روان انداخته...

باستانی پاریزی

نوروز ۱۳۸۲ - مارس ۲۰۰۳

خانم اثنا عشری

مجموعه شعری را که لطف فرموده برای من فرستاده بودید دیدم. غزل‌هایتان قوی است. در قالب‌های تازه که پیدا است اخیراً به آن‌ها پرداخته‌اید باید به خلق مضامین تازه‌تری سوای آن‌چه معمولاً مضمون غزل‌ها قرار می‌گیرد دست یازید که البته هنوز ابتدای کار است و به قول قدیمی‌ترها کار نیکو کردن از پر کردن است. سال‌های زیادی را که در پیش دارید امیدوارم با موفقیت‌های چشمگیر طی کنید.

خواهان ترقی شما هستم

احمد شاملو

۱۳۵۳/۱۲/۱

مقدمه شاعر

به من گفته‌اند که ۶ ماه بعد از تولد من در ۱۲ خرداد ماه ۱۳۲۲ در شهر تاریخی کرمان پدر ادیب، شاعر، فقیه و خوشنام من از دنیا رفته است و من ماندم و یاد پدری ندیده اما بسیار گرامی و مادری فداکار، مهربان و خداشناس که نور خدا در او متجلی بود و خواهران و برادران بزرگ‌تر که همه آن‌ها به خصوص مادر و برادران بنا صحبت‌های بیکران خود جای خالی پدر را برایم پر می‌کردند و من با اثری شاعری و دیدی دقیق و مشکاف به دنیای اطراف خود می‌نگریستم و با کلمات بازی زیبا و شاعرانه‌ای داشتم فقط برای خودم. تا در دوره دبیرستان دیگر این استعداد به مرحله شکوفایی رسید.

سیکل اول دبیرستان نظام قدیم را در کرمان در دبیرستان بهمنیار به ریاست جناب استاد باستانی پاریزی و شاگردی همسر محترمشان خانم حبیبه حائری گذراندم و ایشان نیز از بذل توجه به اینجانب دریغ نکردند تا در سال ۱۳۳۸ که به تهران مهاجرت کردیم و در دبیرستان خورشید به ریاست خانم هرمزی همسر آقای دکتر ناظرزاده کرمانی به ادامه تحصیل پرداخته و باز هم تصادفاً از شاگردی محضر خانم حائری بهره‌مند بودم و ایشان مرا در زمینه شعر که تازه به سرودن جدی‌تر آن پرداخته بودم تشویق می‌فرمودند. هر چند که آن اشعار سرانجام دور

ریخته شد ولی موجب توانایی‌های بیشتر من در دانشگاه تهران شد و زمانی که به علت علاقه به علوم زیستی به تحصیل رشته زیست‌شناسی در دانشکده علوم مشغول بودم با تشویق استادان و هم‌دوره‌ای‌های خود بهترین و بیشترین اشعار خود را سرودم. بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و شروع کار تدریس ابتدا در شهر قم و سپس تهران هم چنان به سرودن شعر و مطالعه اشعار بزرگان ادب ایران زمین می‌پرداختم.

از دواج من در سال ۱۳۴۹ و مسائل و پیامدهای آن که همه را با شعر گفته‌ام متأسفانه شامل اشعار است که از قلب آسیب‌دیده و روح ناامید من حکایت دارد. با این وجود با کوشش زیاد موفق شدم در سال ۱۳۵۳ منتخبی از اشعار خود را تا آن زمان در کتابی به نام شعر... زندگی من به چاپ برسانم. اما مشکلات چاپ این کتاب و مشکلات بیشتر بعد از آن موجب شد که تا امروز نتوانم بقیه اشعار خود را که بالغ بر سیصد غزل، قطعه و اشعار نو می‌باشد به چاپ برسانم. تا این که سرانجام امسال به تشویق بعضی اقوام و با همت خودم بر آن شدم که تمام اشعار برگزیده خود را تا امروز با خط خود به صورتی قابل پسند و جذاب برای خواننده نوشته و سپس به چاپ برسانم تا یادگاری باشد از فراز و نشیب‌ها و یا امواج زندگی خودم که ضمناً می‌تواند گویای همه این ماجراها از زبان دیگران نیز باشد. شاید از این طریق دلی را شادمان و یا از نشاط و سرمستی عاشقانه سیراب سازم و زبان حالی باشد برای آیندگان که ایرانی بدون شعر نمی‌تواند زندگی کند و از آن جاکه شاگرد جناب استاد باستانی پاریزی بودم و همسر مرحوم ایشان به من محبت بسیار داشتند ایشان مجموعه ناقابل مرا به مقدمه‌ای با قلم سحرآمیز خود مزین فرمودند.

و نیز چون در همان زمان کتاب شعر زندگی من را از طریق به شاعر

بلند آوازه زنده یاد احمد شاملو برای اظهار نظر داده بودم. اظهار نظر ایشان را هم در ابتدای کتاب ملاحظه می فرمایید.

در این کتاب سعی بسیار نمودم که اشعار به ترتیب تقدم نوشته شوند. هر چند که تاریخ بسیاری از آن ها خاطرم نیست فقط حدود تاریخ را تعیین کرده ام و بعضی اشعار که به مناسبت خاص سروده شده در ذیل آن ها ذکر گردیده است. باید یادآوری کنم که همان طور که استاد باستانی پاریزی فرموده اند این موج انشاء الله ادامه دارد و در آینده مجموعه ای از حدود ۳۰۰ رباعی بامضامین روز و جدید را نیز تقدیم خواهم کرد که در حال حاضر به آن مشغولم.

در این جا لازم است از زنده یاد سیاوش کسرایی طراح روی جلد کتاب شعر زندگی من و نیز از تمام کسانی که مرا در راه سرودن و آماده کردن این کتاب یاری داده اند تشکر و سپاسگزاری بنمایم.

با درود به تو خواننده عزیز.

طوبی اثنا عشری (شاهرخ)